

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۳۸ دوره هشتم سال پنجم
شنبه ۱۳۶۷/۹/۲۹ بها ۲۰ ریال

- در هفته گذشته خبر اعدام این رفقا نیز تایید شد:
- ★ احمد علی رصدی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
 - ★ پرتوی (بهرام) عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران
 - ★ جعفر صدای وطن ★ محسن وطن خواه
 - ★ شاهین صدای وطن ★ محسن حسین نژاد
 - ★ دکتر سلیمانی
 - ★ حسین صفوی نیا ★ علی اصغر قباقلو

- ★ غلامرضا اویسی
- ★ علی شهبازی
- ★ محمد حسین خانی
- ★ حسین راسخ
- ★ احمد جیدرزاده
- ★ شاهپور استواری ★ مرادپور

جنایتکاران باید به این پرسش‌ها پاسخ گویند

موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور، به عنوان بالاترین مرجع قضایی در ج.ا.ا، اخیراً طی یک مصاحبه "راديو-تلویزیونی" بابی شرمی خاص خود وهم کسوتانش ضمن اعتراف ناخواسته به اجرای اعدام‌های مخفیانه در زندانهای جمهوری اسلامی، ادعا کرد که گویا کلیه احکام مجازات درباره اعدام شدگان بر اساس موازین قانونی و حقوقی صادر گردیده است. موسوی اردبیلی اعلام کرد که دستگاه قضایی رژیم حاضر است در این باره اسناد و مدارک لازم را در اختیار مراجع صلاحیت دار بین المللی قرار دهد.

"نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، تاکنون اسامی جمع کثیری از اعضا رهبری، کادرها و اعضا حزب توده ایران را که طی قتل عام اخیر زندانیان سیاسی به شهادت رسیده اند، اعلام کرده است. لیست‌های مشابهی نیز از سوی دیگر سازمانهای سیاسی، که اعضا آنها نیز جزو قربانیان اخیر رژیم بوده اند، انتشار یافته است. ما با تهیه در ص ۲

پیام هیئت سیاسی حزب توده ایران و به مردم ایران و اعضاء و هواداران حزب

فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان توده ای و دیگر زندانیان سیاسی در فراموشخانه های جمهوری اسلامی برای مردم آزاده ایران و جهان تکان دهنده بود.

رژیم ضد خلقی و خودکامه حاکم با تکدمال کردن مفاد اعلامیه حقوق بشر که در این روزها چهلمین سالگرد تصویب آن در سراسر جهان برگزار می گردد، و نیز زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین موازین حقوقی و قانونی و اخلاقی، انسانهایی را که بیگانه گناهشان مبارزه در راه سعادت محرومان جامعه و دگراندیشی بود، بدون محاکمه، مخفیانه به جوخه های اعدام سپردند و یا حلق آویز کردند. این آدمکشی کم نظیر ادامه دارد.

بهبه در ص ۳

خطر مرگ زنان زندانی را تهدید می کند

ضرورت کارزار وسیع جهانی برای نجات جان زندانیان سیاسی زن

همزمان با انتشار خبر قتل عام زندانیان سیاسی کشور، که اکثریت قریب به اتفاقشان مرد بودند، خبر می رسد که اینک زندانیان سیاسی زن نیز در آستانه اعدام قرار گرفته اند. بر اساس گزارشهای موق، از زندانیان سیاسی زن خواسته می شود که در مصاحبه های ویدئویی عقاید سیاسی خود را نفی کنند، اعتراف کنند که به باورهای مذهبی مردم بی احترامی کرده اند و یا در دوره مبارزه اجتماعی - سیاسی خود درصدد فریب و انحراف دختران و زنان جوان بوده اند! کارگران رژیم زندانیان سیاسی زن را تهدید می کنند که یا باید مطابق خواست آنان عمل کنند و یا آماده مرگ باشند.

برای نجات جان زندانیان سیاسی زن باید کارزار گسترده ای را آغاز کرد. رژیم ج.ا.ا که بیشترین ستمها و تعدیات را در حق زنان محروم میهن ما روا داشته، درصدد است تا با کشتن زنان آگاه، مبارز و انقلابی، یعنی کسانی که بخش مهم زندگی شان را از جمله صرف نبرد در راه تحقق حقوق زنان کرده اند و بیشترین سهم را در این زمینه داشته اند، از زنان مبارز زهرچشم بگیرد.

ما از همه مجامع بین المللی، احزاب و سازمانهای سیاسی و نیز هواداران حزب در داخل و خارج کشور می طلبیم که در راه نجات جان زنان زندانی همه تلاش خود را بکار گیرند.

تاکید می کنیم که خطر کشتار زندانیان سیاسی زن جدی است و تنها کارزار وسیع در داخل کشور و در سطح جهانی می تواند به نجات آنان منجر شود.

تسلیت

رفیق ارجمند کارباچف، خیر زلزله فاجعه آمیز در جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان اندوهی عمیق در ما برانگیخت. این ضایعه اسف بار رابه شما، به همه خلقهای شوروی و بازماندگان قربانیان زلزله صمیمانه تسلیت می گوئیم و مراتب همدردی خود را باشما ابراز می داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیر اول: علی خاوری
دسامبر ۸۸

● "اگر روزی مرا اعدام کردند، به حزب بگویند که من وفادار بودم!" (رفیق جوانشیر) در ص ۵

● رفیق منوچهر بهزادی، یک مبارز برجسته و یک انسان راستین در ص ۴

رفقا! دوستان حزب!

زندان و خواه سالهای پربندگی در بیرون از زندان - دارید برای ما ارسال دارید. بزرگداشت روح و راه بزرگ این رفقا وظیفه بس سنگینی در برابر تک تک همزمانشان می گذارد. زندگی سراسر رنج و کار و پیکار و پایداری هر شهید راه خلق می تواند باب دنیایی از آموزش رابه روی انسانها باز کند. خواهشمندیم اطلاعات خود و از جمله عکس رفقای شهید رابه آدرس "نامه مردم" ارسال دارید.

در ماها و بویژه در هلته های اخیر قافله تازه ای از فرزندان خلق که در صفوف حزب توده ایران در راه بهروزی و نیکبختی توده های رنج می رزمیدند، بدست دژخیمان خونریز رژیم به خاک و خون در غلطیدند. بدینوسله حزب ما از شما می طلبد که هر اطلاع یا خاطره ای از زندگی شکوهمند این رفقای شهید - خواه زندگی فردی یا اجتماعی، خواه از سالهای

ما راه پرافتخار شهیدان توده ای را ادامه خواهیم داد!

اعتراف فاگزی

سرانجام تلاشهای مذبوحانه حکام مرتجع ج.ا. برای کتمان جنایت هولناک کشتار بربرمنشانه زندانیان سیاسی بیگناه، با شکست کامل مواجه شد و دژخیمان رژیم، در نتیجه افشاکریهای گسترده سازمانهای سیاسی و تحت فشار افکار عمومی ایران و جهان ناگزیر شدند تا به گوشه‌ای از کشتار گروه کثیری از بهترین فرزندان خلق ستم‌دیده ایران، در دخمه‌های قرون وسطایی رژیم "ولایت فقیه" اعتراف کنند.

موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور، اخیراً در جریان مصاحبه رادیو تلویزیونی، در زمینه تبلیغات احزاب و سازمانهای سیاسی مخالف رژیم و رسانه‌های خارجی در مورد کشتار زندانیان سیاسی گفت: "این افراد جرمهایی مرتکب شده بودند که در محاکم محکوم شد و سرنوشتشان تعیین شده بود اما بر اساس روال موجود فرصتهایی به آنها داده می‌شد تا چنانچه در نتیجه آموزشها اصلاح شوند در لیست عفو قرار گیرند. اما در نهایت تاسف این افراد نه تنها اصلاح نشدند بلکه از راههای گوناگون در زندان دست به تحریکاتی زدند ... و بدین ترتیب دشمنی و ضدیت خود را با نظام اسلامی به اثبات رساندند."

برگردان افاضات بالاترین مقام قضائی ج.ا. به زبانی که در آن تمام ابعاد حقیقت روشن شده باشد چنین است: قربانیان جنایت اخیر رژیم "ولایت فقیه" مدتها قبل در بیدادگاههای مخفی و در بسته، مورد "محاکمه" قرار گرفته و حکم اعدام آنها صادر شده بود. اما جلدان خونخوار رژیم برای این قربانیان "فرصتی" قائل می‌شوند تا بلکه از طریق "آموزشهای اسلامی"، یعنی شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روحی "اصلاح" شوند، "توبه" کنند و به عقاید خود پشت پا زنند تا مورد عفو و بخشش تروریستهای رژیم قرار گیرند. اما در "نهایت تاسف" مستبدان حاکم بر کشور، فرزندان پاک‌باخته خلق نه تنها از عقاید و ایمان پایدارشان به پیکار در راه سعادت توده‌ها دست نمی‌کشند بلکه روز بروز بر مقاومت آنها در فراموشخانه‌های رژیم افزوده می‌شود و عزمشان به ادامه نبرد دشوار اما پرافتخار علیه استبداد حاکم بر کشور جزم‌تر می‌گردد و بدین ترتیب "دشمنی و ضدیت خود" با رژیم "ولایت فقیه" را که تار و پود آن به خون هزاران پیکارگر راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و صلح آغشته است به اثبات می‌رسانند و در چنین شرایطی که تمام نقشه‌های رژیم برای تسلیم مبارزان از جان گذشته عقیم می‌ماند، حکام ج.ا. ششیر خونریز را از غلاف بیرون می‌کشند و خون پاک گروه کثیری از زندانیان سیاسی را بر زمین می‌ریزند.

علاوه بر موسوی اردبیلی، لاریجانی معاون وزیر امور خارجه رژیم نیز به جنایت اخیر در جمهوری اسلامی صحنه گذاشت. او در جریان سفر اخیر خود به سوئد در مصاحبه‌ای با تلویزیون این کشور گفت که "اعدامهای اخیر طبق قوانین حکومت اسلامی صورت گرفته و" اتهام "اعدام شدگان" دایره جاسوسی "به اثبات رسیده بود. سردمداران مرتجع ج.ا. که از انسانیت و حقوق بشری نبرده‌اند، در وقاحت و دروغتویی و ریا و فریب از استادی و مهارت و بی‌ضعف و ویژه‌ای برخوردارند. آنها رنگهای زندگی گروهی از مبارزان دربند را با شمشیر زنگار بسته "وابستگی" قلب می‌کنند. بخش دیگر از مخالفان را از دم تیغ "مبارزه با الحاد و کفر" می‌گذرانند و خون مسلمانان مخالف را تحت بهانه‌های سخیف دیگر بر

جنایتکاران باید ...

استناد به اظهارات رئیس دیوان عالی کشور از مقامات قضایی رژیم می‌خواهیم تادرباره تک تک اعدام شدگان به پرسش‌های زیر پاسخ دهند و اسناد و مدارک مربوطه را در اختیار افکار عمومی مردم ایران و مراجع بین‌المللی بگذارند:

- زندانیان توده‌ای که به هنگام قتل‌عام اخیر اعدام شده‌اند، بر اساس چه مدارک و دلایلی بازداشت، در چه تاریخی و در کجا محاکمه شده‌اند؟

- هیئت قضات، دادستان، رئیس دادگاه و وکلای مدافع، چه کسانی بوده‌اند؟

- چرا دادگاه‌ها بصورت سری برقرار گردیده، افکار عمومی در جریان محاکمات قرار نگرفته و حتی از ارائه خبر در این باره به رسانه‌های گروهی امتناع شده است!

- زندانیان بر اساس کدام کیفرخواست محاکمه شده‌اند؟ متن کیفرخواست چه بوده است؟

- آیا به متهمان اجازه داده شده که پیش از تشکیل جلسه دادگاه از متن کیفرخواست دادستان آگاه شوند؟ چه امکاناتی برای جمع‌آوری مدارک و دلایل و معرفی شود برای دفاع از خود در اختیار آنان قرار گرفته است؟

- دادستان در اثبات اتهامات خود چه مدارکی ارائه داده است؟

- آیا زندانیان سیاسی اعدام شده حق تعیین وکیل مدافع را داشته‌اند؟

- آیا به متهمان اجازه دفاع از خود داده شده یا نه؟ و اگر پاسخ مثبت است، متن دفاعیات آنان کجاست و چرا منتشر نشده است؟

- قضات دادگاه احکام محکومیت آنان را بر اساس کدام مواد و بندهای قوانین جزائی کشور صادر کرده‌اند؟

- آیا به متهمان اجازه فرجام خواهی داده شده یا نه؟ اگر نه به چه علت و اگر آری، دادگاه تجدیدنظر در چه تاریخی تشکیل شده و بر چه اساسی رای دادگاه بدوی را تایید کرده است؟

- چرا پیش از اجرای احکام اعدام امکان نداده‌اند تا محکومان برای آخرین بار با خانواده‌هایشان دیدار کنند؟

- آیا پیش از اجرای احکام اعدام اجازه نوشتن وصیتنامه به قربانیان داده شده یا نه؟ و اگر پاسخ مثبت است، چرا عین وصیتنامه آنان در اختیار خانواده‌هایشان گذاشته نمی‌شود؟

- زندانیانی که احکام محکومیت چند ساله داشته‌اند و احکام آنان توسط ری شهری رسماً اعلام شده بود، بر پایه کدام اتهامات تازه و توسط کدام دادگاه تجدید محاکمه شده‌اند؟

- چرا قتل عام زندانیان سیاسی را دو تا سه ماه مخفی نگاه داشته‌اند؟

- چرا گروه‌های زندانیان سیاسی اعدام شده را به خانواده‌هایشان نشان نداده‌اند؟

- چرا خانواده‌ها را تهدید می‌کنند تا از انجام هرگونه مراسمی برای یادبود عزیزان خویش خودداری کنند؟

- چرا همسایگانی را که تنها برای دل‌داری به دیدن خانواده قربانیان می‌روند، بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند؟

- رژیم "ولایت فقیه" پی خواهند برد و آن دستان ناپاکی را که با داس استبداد قرون وسطایی، گل‌های سرسید سرزمین ایران را درو می‌کنند قطع خواهند کرد.

زمین می‌ریزند. اما هیچ نیروی ارتجاعی قادر به کتمان حقایق غیر قابل انکار از طریق سرهم‌بندی دستاویزهای بی‌اساس نیست. اعتراف صریح خامنه‌ای مبنی بر اعدام روحانیونی که نه تنها مخالفتی با نظام ج.ا. نداشتند بلکه در راه تحکیم پایه‌های چنین نظامی به مخالفت با سیاست جاری خامنه‌ای‌ها برخاسته بودند گواه بارز این واقعیت است که بیگانه دلیل کشتار بربرمنشانه زندانیان سیاسی بیگناه، مخالفت آنان با استبداد حاکم بر کشور در عرصه سیاسی و فعال مایشائی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و انحصارات پغماگر فراملی در عرصه اقتصادی بوده است.

زعمای ج.ا. نخست تظاهر می‌کنند که پای‌بند به موازین شناخته شده حقوق بین‌المللی هستند و بعد که می‌بینند طشت رسوائی‌شان از بام افتاد، سرشت ضدبشری خود را به نمایش می‌گذارند و آشکارا عدم پای‌بندی خود به هرگونه موازین حقوقی را اعلام می‌کنند. موسوی اردبیلی در جریان مصاحبه رادیو تلویزیونی یاد شده، ورود یک هیئت حقوقی بین‌المللی برای بررسی ابعاد جنایت اخیر رژیم به ایران را منوط به آن می‌کند که "این مراجع بین‌المللی صداقت خود را به ما ثابت کنند و قصد جوسازی سیاسی نداشته باشند". وی با طرح شروطنی از این دست در واقع مخالفت خود با بدیهی‌ترین موازین حقوق بین‌المللی و بررسی آنچه در دخمه‌های قرون وسطایی رژیم "ولایت فقیه" می‌گذرد را اعلام می‌کند.

رئیس دیوانعالی کشور روشن نمی‌سازد که معیار این "صداقت" و راه "اثبات" آن چیست و داور تعیین‌کننده "قصد" مراجع بین‌المللی از آمدن به ایران چیست؟ از نقطه نظر موسوی اردبیلی‌ها آن مرجعی "صادق" و "صالح" است که حق را ناحق و رژیم ترور و اختناق حاکم بر ایران را رژیم مدافع آزادی جلوه دهد.

رفسنجانی پارا از این هم فراتر نهاد و صریحاً اعلام کرد که "آنچه در دنیا به این اسم (دفاع از حقوق بشر)، وجود دارد فاقد محتوی درست است". مخالفت وی و همدستانش با حقوق بشر از آنروست که قادر به توجیه جنایت ددمنشانه خود در چارچوب ابتدائی‌ترین موازین حقوق بین‌المللی نیستند.

بی‌اعتنائی به موازین حقوق بین‌المللی، شرط و شروط سخیف رژیم در رابطه با اعزام هیئتهای حقوقی بی‌طرف به ایران و بطور کلی تلاش رژیم برای کتمان حقایق و از جمله محاکمه و کشتار منصفیانه زندانیان سیاسی بیگناه، روشنترین دلیل عدم حقانیت رژیم "ولایت فقیه" و یکی از قاطع‌ترین اسناد محکومیت آن است.

سردمداران مرتجع ج.ا. از افکار عمومی ایران و جهان مثل جن ازبسم الله هراس دارند زیرا خود بهتر از همه به بی‌عدالتی حاکم بر کشور و از جمله به زرفا و ابعاد جنایت هولناکی که در زندانهای ج.ا. رخ داده است، واقف هستند و نیک می‌دانند که وقوف کامل خلقهای جهان و به‌ویژه خلق ایران به سرشت پلید رژیم "ولایت فقیه" در حکم پنبه شدن تمام رشته‌های آن است.

اما واقعیت‌های زندگی نبرومندتر از آن است که جلدان و چپاران ج.ا. را برای مقاومت در برابر آنها باشد همین واقعیتها است که موسوی اردبیلی، خامنه‌ای، لاریجانی و ... را وادار می‌سازد که علیرغم میل باطنی‌شان به گوشه‌ای از جنایات خود اعتراف کنند. تردیدی نیست که مردم ایران دیر یا زود به تمام وقایع پشت پرده در

پیام هیئت سیاسی ...

هم مبهنان!

خمینی و ارگانهای سرکوبگرش زمانی این جنایت هولناک را مرتکب می‌شوند که با بحران عقیم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبروی هستند و برای برون رفت از آن به دامن انحصارهای جهانخوار روی آورده‌اند. در واقع آنان زندانیان سیاسی را پیش پای امپریالیسم جهانی بقصد جلب حمایت آن قربانی می‌کنند. رژیم با این جنایت خوین می‌خواهد صدای اعتراض میلبیونها ایرانی را در نطفه خفه کند و از استقرار آزادیهای دموکراتیک به‌مثابه خواست عمده توده‌های مردم جلوگیری نماید.

به هیچ وجه تصادفی نبود که حزب مادر پلنوم دیماه ۶۶ ضرورت مبارزه در راه آزادی را سرلوحه مبارزه خود در شرایط مشخص کنونی قرار داد. به هیچ وجه تصادفی نبود که حزب توده ایران از همه احزاب و سازمانها و شخصیتهای آزادیخواه خواست تا حول شعار آزادی و صلح گرد هم آیند و متحدان مبارزه کنند. نجات جان زندانیان سیاسی یکی از خواستههای عمده مطرح شده از جانب ما بود.

در این روزهای دردناک ما وظیفه خود می‌دانیم که روی این مسائل تکیه کنیم تا شاید گذشته راهگشای آینده پیرامون اهمیت مبارزه مشترک و هم آهنگ باشد.

هم مبهنان و همزمان!

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران این جنایت ددمنشانه را قویا محکوم می‌کند و از همه احزاب و سازمانهای سیاسی دموکراتیک می‌خواهد تا پیکار علیه رژیم ضد بشری حاکم بر میهن را تشدید کنند. و این نیز جز از طریق نبرد در راه آزادی امکان پذیر نیست.

ما توده‌ایها وقتی ضرورت احیای آزادیهای دموکراتیک در جامعه را مطرح می‌کنیم، آزادی برای همه طبقات و گروههای اجتماعی، برای همه احزاب و سازمانهای آزادیخواه صرفنظر از عقاید و نظریات سیاسی، و برای همه اتحادیه‌ها، سندیکاها و دیگر تشکلهای دموکراتیک را مد نظر داریم. ما مخالف سرسخت هرگونه انحصارطلبی و خود محوربینی در برخورد به این موضوع حیاتی و

سرنوشت ساز بوده، هستیم و خواهیم بود.

حزب توده ایران از نخستین روز پایه‌گذاری در این راه کام برداشته و قربانیهای فراوانی هم داده است.

حزب توده ای ماطی چهاردهم* اخیر در نبرد نابرابر علیه رژیمهای خودکامه هزاران تن قربانی داده است. آنها از زبده‌ترین فرزندان خلق بودند. بی‌سبب نیست که حزب ما را حزب شهدا نام گذارده‌اند.

هم اکنون قریب به شش سال از یورش فاشیستی به حزب پر افتخار ما می‌گذرد. در این فاصله زمانی سالی نبوده که رفقای ما شهید راه آزادی و سعادت محرومان نگردند. کشتار توده‌ایها بی‌وقفه ادامه داشته است.

کشتار جمعی اخیر زندانیان سیاسی و از جمله توده‌ایهای دربند، ادامه سیاست ضد انسانی رژیم "ولایت فقیه" است. این فاجعه ملی که هزاران خانواده را عزا دار کرده نشانه بارز ضعف و درماندگی سران رژیم و ترس حیوانی آنان از اوج خشم و نفرت توده‌های میلیونی است.

ارگانهای سرکوبگر که برای ادامه حیات رژیم "ولایت فقیه" هر چه بیشتر به حربه ترور متوسل می‌شوند و تروریسم را رسماً به سطح سیاست داخلی و خارجی خود ارتقا داده‌اند، ابتکار جدیدی از خود نشان نمی‌دهند. تجربه همه رژیمهای استبدادی هم در "جهان سوم" وهم در کشور ما موبد آنست که با استفاده از زندان و شکنجه و اعدام می‌توان چند صباحی حکومت کرد اما نمی‌توان از زوال محتمم رژیم ضد خلقی جلوگیری بعمل آورد. این حکم تاریخ است. هیچ نیروی قادر به جلوگیری از حرکت چرخ تاریخ به پیش، به سوی آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح نخواهد بود.

ما توده‌ایها در نبرد حق با ظلم و جور مانند همیشه پیشاپیش صفوف مبارزان گام بر خواهیم داشت. توده‌ایهای فداکار و صادق به آرمانهای خود در عمل نشان داده‌اند که در مبارزه در راه سعادت زحمتکشان حتی از قربانی کردن جان خود دریغ نکرده‌اند. تاریخ حزب ما با خون هزاران قهرمان بانام و بی‌نام نگاشته شده است. وقتی انتخاب میان صداقت به آرمان و زندگی ننگبار

بمیان آمده، اکثریت مطلق توده‌ایها همیشه شق نخست را انتخاب کرده‌اند. رفقای ما امروز هم مانند دیروز همانند روزبه‌ها، سیامک‌ها و ... تا آخرین لحظه حیات پرچم افراشته آرمانهای خلق محروم و قهرمانشان را وفادارانه بدوش کشیدند و با سری افراشته به استقبال مرگ رفتند. این مایه افتخار حزب ماست که چنین فرزندان را در دامان خود پرورده است.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با اندوه فراوان به مادران، همسران، فرزندان و دیگر بستگان توده‌ایهای شهید و همه قربانیان اخیر رژیم، به همه اعضا و هواداران حزب تسلیت می‌گوید و در غم و اندوه آنان شریک است.

رفقا و همزمان!

بباید در برابر خاطره پاک قهرمانان توده‌ای بار دیگر سوگند یاد کنیم که راه پر افتخار آنها را ادامه خواهیم داد. رفقای شهید ما علیه رژیم سفاک خمینی مبارزه کردند و این نبرد را حتی در شرایط وحشت‌زای سیاهچالهای زندان نیز ادامه دادند. بباید سوگند یاد کنیم که پیکار علیه رژیم جنایتکار "ولایت فقیه" را بیش از پیش تشدید خواهیم کرد.

رفقای قهرمان مادر سخت‌ترین شرایط را بر زندانها کوشیدند تا وحدت و انسجام حزب را حفظ کنند و تفرقه اندازان و تسلیم‌طلبان را منزوی سازند. بباید سوگند یاد کنیم که به این آرمان همزمان خود وفادار خواهیم ماند. مردم ایران هیچگاه خاطره پاک قربانیان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح را فراموش نخواهند کرد. ما با تشدید مبارزه در راه پایان دادن به جنایتهای رژیم که جز به معنای نبرد در راه سرنگونی آن نیست، مبارزه همزمان خود را ادامه خواهیم داد.

- ابدی باد نام شهدای راه سعادت محرومان!
- مرگ بر رژیم ضد بشری خمینی!
- زنده باد حزب توده ایران، حزب قهرمانان و شهدا!

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

آذرماه ۱۳۶۷

پس بر دم دروازه درنگی کن

ماه در ایوان عرفان می‌گرید

ماه را با شب بوها

شب بوها را با ما

سخنی نیست

فرزانتگان

(بی که سخن بگویند)

هستی را

با دو انگشت شکوفه چین

تفسیر می‌کنند

شیانان شب سانانند

گاوان فربه رانه به شخم زمین

به شیچره خون می‌برند

تساحان ملاحل می‌گیرند و تو می‌پژمری

می‌پژمری

می‌پژمری

قدیسان با چشمهای سیمانی

چهره در چهره عاشقان ایستاده اند و ورد می‌خوانند

بر چهره دانائی خیش می‌کشند و چشمانش رامی‌درند

سیامستان چارسوق

بیوگان

حسرت خاموش حجله گاهشان را

به تنهایی می‌بافند

ما ایستاده ایم و مرگ را به هم تعارف می‌کنیم

آخرین خد احافظی

خد احافظی آخرین را به یاد داشته باش

محبوبم!

تا ماه در ایوان عرفان چرخ می‌بزند

از مایکی سخن آخر را خواهد گفت

پس بر دم دروازه درنگی کن

کلید در چنگ ماه

ماه در شکم ازدهاست

جلال سر فراز

اردیبهشت ۶۲

رفیق منوچهر بهزادی، یک مبارز برجسته و یک انسان راستین



مقالات دقیق، کوتاه و پرمحتوای رفیق بهزادی، چه در مجله "آرمان" که خود سرپرستش بود و چه در "نامه مردم" و مجله "دنیای" حاکی از نظر صائب، استدلال محکم و تجربیات بسیار غنی او در مبارزات اجتماعی و سیاسی بود.

هنگامی که در نخستین روزهای انقلاب رفیق منوچهر بهزادی همراه با دیگر همزمانش به کشور بازگشت، با خود دریایی از دانش و تجربه را، که طی سالیان دراز قطره قطره جمع کرده بود، برای جوانان انقلابی به ارمغان آورد. رفیق بهزادی سهم ارزنده‌ای در انتشار "نامه مردم" به عهده داشت.

آشنائی گسترده وی با مارکسیسم - لنینیسم،

در هیئت تحریریه "نامه مردم" او را "رفیق منوچهر" یا بسادگی "منوچهر" صدا می‌زدند. جمع نویسندگان "نامه مردم" خانواده‌ای بود صمیمی، با انضباط و جدی. همانگونه که "منوچهر" بود. هر روز صبح در اتاقی که می‌شد از ورای پنجره‌های آن دیوارهای کهنه و خاطره‌آمیز دانشکده حقوق دانشگاه تهران را دید - جایی که سی و سه سال پیش رفیق به هنگام تحصیل در آن به عضویت حزب پذیرفته شد - جلسه هیئت تحریریه تشکیل می‌شد. آخرین اخبار ایران و جهان را می‌خواندند و به بحث می‌گذاشتند. هر کس "سهم" خود را می‌گرفت و کار شروع می‌شد. وقت تنگ بود... می‌بایست روزنامه منتشر کرد که شایسته نام ارگان مرکزی حزب توده ایران باشد. آئینه‌ای که صادقانه سیمای حزب را بازتاباند...

★ ★ ★

رفیق منوچهر بهزادی در ۱۵ آذرماه ۱۳۰۶ در تهران زاده شد. پس از سقوط دیکتاتوری رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ اونیز مانند هزاران جوان آزاده و عدالت‌جوی ایرانی با حزب توده ایران، که به تازگی تاسیس شده بود، آشنائی پیدا کرد و دبیری نگلکشت که به عضویت سازمان جوانان توده ایران درآمد و در پی ورود به دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در ۲۷ بهمن ۱۳۲۵ از سوی سازمان جوانان به حزب معرفی شد. رفیق بهزادی که در رشته حقوق سیاسی فارغ‌التحصیل شده بود، بعدها با اخذ درجه دکتری اقتصاد تحصیلات عالی خود را با موفقیت به پایان رساند.

مسئولیت‌های حزبی این جوان پر استعداد، تیزهوش و آگاه، پس از ورود به صفوف حزب دم‌پدم بیشتر و سنگین‌تر شد. او که تا بهمن ۱۳۲۶ عضو یکی از حوزه‌های حزبی بود، در سال ۱۳۲۷ دبیر حوزه خویش و در عین حال عضو شعبه تعلیمات و تبلیغات ایالتی تهران و عضو کمیته محلی متعلقه به تهران شد. وی بعدها به عضویت شعبه تعلیمات کل و شعبه معابوعات کل ارتقا یافت و از همین زمان نگارش مقالات سیاسی و اجتماعی را در مجله "رزم" و روزنامه مردم آغاز کرد. برخی از مسئولیت‌های بعدی او تا سال ۱۳۳۲ از این قرارند: عضو کمیته حزبی دانشگاه، عضو شعبه تشکیلات کل، مسئول پخش دانشگاه، نماینده تشکیلات کل در فارس، عضو کمیته محلی آبادان و عضو کمیته ایالتی خوزستان. از مهر ماه ۱۳۳۲ به عنوان مسئول دبیرخانه کمیته ایالتی تهران و مسئول پخش شهر تهران برگزیده شد. در سال ۱۳۳۴ بدستور حزب از کشور خارج شد و از مهرماه ۱۳۳۶ به جمع کارکنان رادیوی نوپنیا "پیک ایران" پیوست. اندکی دیرتر، به گونه‌ای همزمان عضو هیئت تحریریه "صبح امید" (ارگان موقت مرکزی حزب)، "مردم" و "دنیای" شد و در کنار این به عنوان یکی از اعضای دایره اروپای غربی و عضو شعبه بین‌المللی به فعالیت پرداخت.

رفیق بهزادی در پیلنوم پانزدهم به عضویت کمیته مرکزی و در پیلنوم شانزدهم به عضویت هیئت سیاسی و هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب برگزیده شد. در این سالها بود که رفیق با هدایت هسته‌های حزبی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا، نقش ارزنده‌ای در سازماندهی مبارزات ضد رژیم دیکتاتوری در اروپا ایفا کرد. تمام نشریاتی که حزب در اروپای غربی و آمریکا منتشر می‌کرد، زیر نظر او بود.

رفیق بهزادی ۱۴ سال پیش، هنگامی که جملات زیر را در سوک گل سرخی و گل سرخی‌ها نوشت، کوبی خطابش نه به شاه، که به خمینی و دیگر سران جنایتکار رژیم "ولایت فقیه" بود:

اگر گل زندگی گل سرخی، دانشبان، حکمت جو، تیزبازی (و نه بهزادی) و دهها و صدها نفر دیگر از مبارزان راه خلق پرپر شده است، گل سرخی که مظهر شرف و آزادی، نشانه مقاومت و مبارزه است، همیشه شکوفان است، زیرا که خلق که زاینده شرف و آزادی، مقاومت و مبارزه است، جاویدان است.

فرمانروایان ستگر، با وجود محدودیت فکری طبقاتی خود، این واقعیت را درک می‌کنند که اگر افکار انقلابی امکان نشد داشته باشند، امکان تبدیل شدن به نیروی مادی را نیز خواهند یافت و این همان خطری است که موجودیت آنها را تهدید خواهد کرد. آنها این واقعیت را هم درک می‌کنند که نمونه‌های مقاومت، فداکاری، و قهرمانی به مبارزان انقلابی، به خلق به کار جویند و او امید می‌دهد، و این خطر نابودی نظام استثمارگران و ستگران را تشدید خواهد کرد.

آنها نمی‌توانند درک کنند که با زر و سهم و باداغ و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلو گرفت، که خلقها با تن خونین از شکنجه ستگران و با دل اندوهگین از شهادت همزمان، ولی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت.

(دنیای، شماره ۱۱، سال ۱۳۵۳)

مسائل سیاسی و اجتماعی ایران و جهان، تاریخ سیاسی دوران بعد از مشروطیت و ... در کنار اینها توانایی رهبری و خصائل عالی اخلاقی زمینه اتوریته معنوی وی را نزد همکاران و رفقای حزبی فراهم آورده بود. رفیق بهزادی به حق مورد احترام و علاقه همه توده‌ای‌هایی بود که او را می‌شناختند. زنده دلی، روحیه شاد و بشاش و طنزگویی او زبانزد همگان بود. رفقای که با وی تماس داشتند هرگز فراموش نمی‌کنند که او چگونه با وجود کار شبانه‌روزی، لحظه‌ای از فکر دیگران غافل نبود و مانند یک دوست صمیمی در هر کاری به کمک

آنها می‌شتافت.

با آنکه خائنان به انقلاب نگذاشتند تا "نامه مردم" بیش از ۵۲۲ شماره در ایران انتشار یابد، اما طی همین مدت کوتاه، روزنامه حزب به یک روزنامه مهم و برتیراژ سیاسی تبدیل شد. با آنکه "نامه مردم" تعطیل شد اما کار مطبوعاتی حزب با مسئولیت رفیق بهزادی، از راههای دیگر ادامه یافت.

اطلاع دقیقی از همه آنچه در زندان بر رفیق بهزادی گذشت در دست نیست. یکی از رفقا درباره شکنجه‌هایی که به او داده بودند، از جمله نوشت: "به او شانزده روز متوالی بی‌خوابی دادند که وی بر اثر آن دچار اختلال روانی شد و بعد از مدتها به حال عادی بازگشت".

دانشمندان و مبارزان انقلابی پر ارزش چون رفیق بهزادی، که حکومت جهل و خرافه اینگونه داس بر ساقه زندگیشان گذارد، کسانی نیستند که بتوان آنان را هر روز در همه جایافت. خاطره او نزد همه توده ایبا عزیز و ارجمند است.

اعتراض حزب کمونیست فرانسه به اعدام‌ها در ایران

بگزارش "اومانیتته"، آندره لائوانی، رئیس گروه کمونیستهای فرانسه در مجلس ملی این کشور، با ارسال نامه‌ای برای رولان دوما، وزیر امور خارجه، از وی خواست تا ضمن محکوم کردن اعدامهای زندانیان سیاسی در ایران برای نجات جان سایر زندانیانی که هنوز زنده‌اند، تلاش ورزد. در این نامه تأکید گردیده است که ۲۵ تن از اعضا برجسته و رهبران حزب توده ایران در میان اعدام‌شدگان هستند.

نماینده حزب کمونیست فرانسه با تقدیم نامه‌ای به نماینده حزبمان در این کشور، مراتب همبستگی کامل کمونیستهای فرانسه را با مبارزه در راه دمکراسی و احترام به آزادیها و حق حیات در ایران، اعلام داشت. پیر زارکا، نماینده حزب کمونیست فرانسه، همچنین از اجتماع اعضا و هواداران حزب توده ایران که به همراه سایر اعضای خانواده‌های زندانیان سیاسی و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در اعتصاب غذا بسر می‌بردند، بازدید بعمل آورد. این اعتصاب غذا در اعتراض نسبت به اعدامها و جنایات اخیر رژیم ددمنش "ولایت فقیه" صورت گرفت.

"اگر روزی مرا اعدام کردند، به حزب بگوئید"

که من وفادار بودم! (رفیق جوانشیر)



در فرصتی به یکی از رفقای زندانی گفته بود: "اگر روزی مرا اعدام کردند، به حزب بگوئید که من وفادار بودم."

به درود رفیق میزانی! تو از زمره آن فرزندان شایسته خلق آذربایجان و مردم ایران بودی که هر روز از مادر زاده نمی شوند. خائنان به انقلاب در سیمای تو انسانی دانشمند، سازماندهی بزرگ و رزمنده ای ارجمند را به شهادت رساندند، زالوهایی که تنها با تبلیغ خرافات و عوامفریبی قادر به ادامه زندگی ننگین و طفیلی وار خود هستند.

جنایتکاران ترا همراه همزمانت دزدانه کشتند و در گورهای جمعی و بی نام و نشان پنهان ساختند. اما عظمت مبارزان نه به شکره و جلال آرامگاهشان بلکه به تأثیری است که نبردشان در راه سعادت خلق بجای می گذارد. تومواره جاودان خواهی بود.

تظاهرات اعتراضی در پاریس

روز ۱۴ دسامبر تظاهرات بسیار بزرگی در فرانسه برگزار شد. در این تظاهرات اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای گوناگون مترقی و آزادیخواه شرکت داشتند. برپایی این تظاهرات به ابتکار "جامعه حقوق بشر فرانسه" صورت گرفت.

تظاهر کنندگان پس از راهپیمایی کوتاهی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی گرد آمدند و با دادن شعار، به تصویب قطعنامه ای در اعتراض به پایمال سازی حقوق بشر در ایران پرداختند. سپس یک هیئت نمایندگی از "جامعه حقوق بشر فرانسه" قطعنامه را به سفارت جمهوری اسلامی تحویل داد.

نمایندگان کمونیست محکوم می کنند

در روز ۱۵ دسامبر، احزاب کمونیست برادر که در پارلمان اروپا نماینده دارند، بنا بر درخواست حزب توده ایران، قطعنامه ای را در زمینه داغ ننگ و نفرت زدن بر کشتار جمعی زندانیان سیاسی و پایمال سازی ابتدایی ترین حقوق انسانی در پارلمان اروپا مطرح کردند که از تصویب گذشت.

فرزند راستین زحمتکشان ایران بود. بجاست تا همینجا از اثر رفیق بنام "اصول و موازین کار تشکیلاتی حزب طراز نوین طبقه کارگر" یاد کنیم. وی این اثر ارزشمند را (که تاکنون چاپ نشده و به احتمال زیاد پس از یورش خائنان رژیم بدست کژمکان بی فرهنگ آن افتاده است) در توضیح و تبیین آموزش مارکس، انگلس و لنین در زمینه اصول و موازین زندگی تشکیلاتی حزب پرولتری، با روح مبارزه با اپورتونیسیم و با مطالعه "تقداته تجربه" حزب توده ایران و دیگر احزاب برادر نگاشته بود.

علاوه بر کار پژوهشی، وی به ترجمه آثار بارزش ادبی - سیاسی نیز می پرداخت. مجموعه داستان "ابن رازر به مهر" اثر جمعی از نویسندگان کلاسیک روس از جمله ترجمه های اوست. همه آنچه گفته شد حاکی از احساس مسئولیت وی در قبال حزب و میهن بود. رفیق میزانی از آن انسانهایی نبود که شمع فروزان درونش با یاس و رخوت مهاجرت و رکود جنبش خاموش شود. او بر سر دوراهی "هیاهوی لحظه ای و بدنبال آن انفعال و ارتداد" و "کارپرزحمت و طاقت فرسای شبانه روزی و برای آینده" که در پیش روی هر مهاجری گسترده است، راه اخیر را برگزید. این راه البته دشوار بود. می شد با پرچم "سرخ" از حزب رفت و در این "وانقسای زندگی" فکری بحال خود کرد. می شد بسیار "انقلابی" بود و سر از دستگاه فاسد شاه بدر آورد، برای انسان با استعدادی چون رفیق میزانی همه این راهها باز بود. ارزش والای "میزانی" ها در این بود که در نیمه راه نماندند و نشان دادند که نه انقلابیون دوران جوش و خروش بل انقلابیون لحظات رکود مبارزه انقلابی نیز هستند.

در آستانه انقلاب بهمین رفیق میزانی بعنوان عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران به کشور بازگشت و در انتشار اولین شماره "نامه مردم" با دیگرفقا همکاری کرد. پس از آغاز فعالیت علنی حزب در ایران وظیفه دشوار و عظیمی در پیش روی حزب قرار گرفت. می بایست هزاران جوان پرشور را که به صفوف حزب می پیوستند، سازماندهی کرد، آنان را با اندیشه های والای مارکسیستی - لنینیستی آشنا ساخت، برنامه حزب را در میان کارگران، زحمتکشان و روشنفکران تبلیغ کرد، با انواع جریانهای اپورتونیستی، خرابکار، "چپ رو" و "چپ نما" به مبارزه برخاست و تأثیرات زهرآکین تبلیغات رژیم ننگین پهلوی را درباره حزب توده ایران از اذهان زدود و حزب را به نیرویی موثر در حیات سیاسی کشور تبدیل کرد. و همینجا بود که رفیق میزانی همگام با همزمان خود کام به عرصه مبارزه گذارد و تا یورش خائنان رژیم این راه را ادامه داد.

در خبری که از درون زندان دریافت کرده ایم، گفته می شود که رفیق در باصطلاح دادگاهی که برای محاکمه وی سرهمبندی شده بود، از حزب و آرمانهایش دفاع کرد و در پانچ حاکم شرع جلاد که از وی خواسته بود تا توبه کند، گفت: "کسی که راه حزب توده ایران را برگزید، توبه نمی کند". رژیم همواره از رفیق وحشت داشت و او را جدا از دیگر زندانیان نگهداری می کرد. یکبار

یکی از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سیاهچالهای جمهوری اسلامی، طی ماههای مرداد و شهریور، رفیق فرج الله میزانی است. وی به هنگام بازداشت عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و مسئول کل تشکیلات حزب توده ایران بود. با شهادت وی حزب توده ایران یکی از برجسته ترین و مبارزترین فرزندان خود را از دست داد. انسان ارجمندی که با کار عملی و پوییش فکری صبورانه و خستگی ناپذیر، نقش بارزی در ترویج ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم در ایران ایفا کرد و با نگارش انبوهی از مقالات، جزوات و کتابها، از جمله "اقتصاد سیاسی" و "صفحاتی از تاریخ جنبش جهانی کمونیستی و کارگری" و... تأثیری بسزادرپروش نسل نوینی از جوانان انقلابی بجای گذاشت. نامه های مستعار او (ف.م. جوان و جوانشیر) بخاطر آثار متنوع و متعددی که در زمینه های گوناگون به قلم وی انتشار یافته، نامهایی است به حق آشنا و معتبر.

رفیق فرج الله میزانی در سال ۱۳۰۵ در شهر تبریز زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاه خود تمام کرد و سپس وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و بالاخره در سال ۱۳۲۸ با درجه مهندسی تحصیلات خود را به پایان رساند.

رفیق جوانشیر پیش از آنکه در سال ۱۳۲۴ رسماً به عضویت حزب توده ایران پذیرفته شود، در امور صنفی - سیاسی دبیرستانی که در آن به تحصیل اشتغال داشت، فعالیت می کرد. پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ بعنوان دانشجوی دبیر کمیته حزبی دانشگاه تهران برگزیده شد. در سال ۱۳۲۹ رفیق میزانی که اکنون کادر تمام وقت حزب بود، برای کار حزبی به شهرستانها اعزام شد. وی نخست مسئول تشکیلات حزب در شهر بابل و پس از آن عضو کمیته ایالتی سازمان حزب در مازندران (۱۳۳۱) و عضو کمیته ایالتی حزب در آذربایجان (۱۳۳۱) گردید. پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از توبه تهران بازگشت و پس از مدتی عضویت در کمیته ایالتی تهران بعنوان مسئول آن انتخاب شد. طی تابستان ۱۳۳۶ بمنظور شرکت در پانوم هفتم (وسیع) کمیته مرکزی به خارج اعزام گشت و پس از پایان پانوم، الزاماً خارج ماند.

رفیق میزانی در سال ۱۳۴۱ به عضویت مشاور کمیته مرکزی حزب درآمد. در همین سالها بود که رفیق میزانی، ضمن تحصیل در رشته تاریخ و دریافت درجه دکترا در تاریخ، همکاری خود را با نشریات حزبی آغاز کرد. کار قلمی وی بعدها، هنگامی که بعنوان عضو کمیته مرکزی و دبیرتر عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئولیت اداره "رادبو" "پیک ایران" را بعهده گرفت، به اوج خود رسید. وی همزمان با رهبری هیئت تحریریه "رادبو" "پیک ایران"، مقالاتی برای مجله دنیا تهیه می کرد. و با همه کار و تلاش شبانه روزی "فرست" آن را می یافت که به پژوهشهای تخصصی نیز بپردازد. کتابها و جزوات ارزنده ای چون "حماسه داد"، "ماثوئیسیم و بازتاب آن در ایران"، "حماسه ۲۲ تیر"، "افسانه طلایه های ایران"، "۲۸ مرداد"، "سیمای مردمی حزب توده ایران"، "انتقاد و انتقاد از خود" و... سره و ره آورد پژوهش خلاقانه این

انتشار اخبار مربوط به جنایات فجیع رژیم "ولایت فقیه" در ج. ا. را که تحت پوشش مذهب، صدام و هزاران تن از بهترین فرزندان زندانها، انکار عمومی سراسر جهان را نگران ساخته است. دهها سازمان، کشورمان را به جوخه‌های اعدام سپرده اند، محکوم کرده و تنفیذ و انزجار حزب و همچنین نشریات مترقی و آزادیخواه این اعمال دامنشانه حکام عمیق خود را ابراز داشته اند.

جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می‌کنند

"زاروپژوم"

کشتار میهن پرستان ادامه دارد

هفته نامه "زاروپژوم"، چاپ شوروی که ناشر گزیده مقالات نشریه‌های خارجی از سراسر جهان است، در یکی از شماره‌های اخیر خود مطالبی را به اعدام‌های اخیر در ایران و بویژه کشتار دههاتن از رهبران و کادرها و اعضا در بند حزب توده ایران اختصاص داده است. "زاروپژوم" با استناد به منابع خبری خارجی و نیز مطلب منتشره در "مورنینگ استار" از جمله می‌نویسد: "... پس از قطع جنگ با عراق، صدام ایرانی بخاطر عقاید سیاسی خود بدست رژیم حاکم کشته شده اند". این نشریه در ادامه با اشاره به اسامی تعدادی از رفقای عضو هیئت سیاسی و کمیته مرکزی حزبمان و همچنین بیان گوشه‌هایی از سوابق مبارزاتی آنان در زمان شاه و پس از آن می‌افزاید: "با اطمینان می‌توان گفت که این کشتار در چارچوب قلع و قمع گسترده زندانیان سیاسی رژیم خمینی آنها در آستانه رسیدگی به اوضاع در زندانهای ج. ا. از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، صورت می‌گیرد".

"زاروپژوم" در پایان گزارش خود به نقل

اخباری می‌پردازد که در شماره‌های اخیر "نامه مردم" در رابطه با جنایات اخیر رژیم در زندانهای اوین و سایر شهرهای ایران و نیز "ضرورت اعتراضات شدید محافل و جوامع بین المللی" به این جنایات فجیع، انتشار یافته است.

اعتراض به اعدام‌ها در ایران



اعضا و هواداران کمیته دفاع از حقوق مردم ایران (عکس بالا) دیروز در مقابل بانک ملی ایران در لندن علیه اعدام رهبران کمونیست و ترقیخواه از سوی رژیم تهران به اعتراض پرداختند.

مورنینگ استار: به اعدام‌ها در ایران خاتمه دهید!

رژیم خودکامه ایران همچنان سرگرم بره انداختن حمام خون علیه مخالفان ترقیخواه خود از جمله اعضای دربند جنبش کمونیستی ایران است.

حزب توده ایران دهها سال تحت پیگرد پلیس مخفی شاه قرار داشت. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سالهای اخیر در جمهوری به اصطلاح اسلامی تحت پیگرد مشابهی قرار داشتند.

ولیکسرایانی که به انقلاب ایران خیانت کردند، تلاش می‌ورزند مخالفان ترقیخواه خود را بمنظور ایجاد امنیت برای امپریالیسم در کشور نابود کنند.

رژیم خمینی کمونیستها را بخاطر مخالفتشان با تصمیم رژیم برای ادامه جنگ ایران تا پایان خونبار هرگز نبخشیده است.

کسانی که در راه صلح و ترقی نبرد کرده اند، نیابستی بفراموشی سپرده شوند. افکار عمومی جهان بایستی خواستار پایان بیدرتک موج اعدامها گردد.

هنگامی که يك کمونیست می‌گرید

سطر: "رفیق منوچهر بهزادی، عضو هیئت سیاسی وقت و... ثابت مانده بود، لب کشود و به زبان فارسی دو کلمه زیر را بر زبان آورد:

"مرا ببوس!"
و لبخندی زده که عجیب تلخ بود.
سه هفته با هم بودیم. روز و شب، و حالا اعدامش کردند. بربرها...

سکوت می‌شد و سکوت به درازا می‌کشید. آهسته یادآوری می‌کنم که متن نامه اعتراضی به سفارت ج. ا. و تقاضای نامه محکومیت رژیم برای ارسال به وزیر امور خارجه، روزی در لابلای کاغذهاست.

بلافاصله از جابلند می‌شود و به دفتر کارش می‌رود. پس از چند لحظه نامه‌ها را امضا کرده برمی‌گرداند.

هر دورا همین الان پست می‌کنم. یک فتوکپی برای اطلاع حزبیت، یک فتوکپی هم در آرشیو حزب ما می‌ماند. ترتیبی می‌دهیم که در روزنامه مطلب ویژه‌ای در رابطه با اعدامها چاپ شود و از تمام اعضای حزبمان تقاضای کنیم که فعلا نه اعتراض کنند. از طرف من و کمیته مرکزی حزب ما به همه رفقایاتان تسلیت بگو. راستی همسرش و فرزندانش در چه وضعند؟

من اطلاع خاصی ندارم، اما اگر بخواهید می‌توانم جویا شوم.

حتما. امیدوارم هر طور شده از اندوه عمیق من در این رابطه با اطلاع شوند. ابراز همدردی من را حتما به اطلاعشان برسانید.

دستم را می‌فشارد و به اتاق کارش برمی‌گردد. فکر نمی‌کردم خیرم تا این حد او را، یک رفیق شروزی را متاثر کند.

با منوچهر در جمهوری دمکراتیک آلمان آشنا شدم. عجب مردی بود. محکم و با اراده... متانتش تحسین برانگیز بود.
صاحب امتیاز "نامه مردم" ارکان مرکزی حزبمان بود.

به حرفهایش ادامه می‌دهد. احتمالا نشنید چه گفتم.

دو دختر کوچک، دختران نازنین... سخنش را قطع می‌کنم.

تصور نمی‌کنم در میان اعدامیها، اطفال هم باشند.

متوجه می‌شود و می‌گوید: "دختران منوچهر را می‌گویم. سه هفته با هم بودیم. با او، همسرش و دخترانش.

آنموقع دخترانش خردسال بودند. عجیب انسانی بود...

ساکت. ایستاده‌ام و گوش می‌کنم. تمام جملاتی که از قبل در ذهن آماده کرده بودم، یادم رفته است.

فکر می‌کردم: وقتی خبر اعدام رفقا و تقاضای همبستگی و اقدام عاجل را با هموطنان خودم (هواداران دیگر سازمانها) به زبان فارسی در میان گذاشتم، هم بسیار سخت بود و هم چندان نتیجه‌ای حاصل نشد. بنابراین مطرح کردنش با رفقای شروزی و آنهم به زبان بیگانه باید صدچندان مشکلتر باشد. اما...

"کاره" که نگاهش روی متن نامه‌ها و احتمالا

در ارباز می‌کنم. جلوی رویم نشسته اند. هر دو با لبخند حالت راجویا می‌شوند.
خوب نیستم. رفقایمان را اعدام کرده اند.
ساکت می‌شوند و خیره نگاه می‌کنند.

به سویان می‌روم و در ذهنم دنبال کلمات موشی می‌گردم تا مطلب را واضح و بسیج کننده ادا کنم. نامه‌ها را به "کاره" می‌دهم.

تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را اعدام کرده اند. همانطور که در نامه می‌بینید چند نفر از اعدامیها از رفقای کمیته مرکزی حزب ما...

"کاره" ناگهان با فریاد مشتش را روی میز می‌کوبد.
منوچهر هم...؟

جامی خورم. هم از صدای سخت ضربه مشتش و هم از سوالش. ادامه می‌دهد.
منوچهر بهزادی... بربرها چه انسان پاکي را اعدام کردند.

به چشمانم خیره می‌شود. اشک چشماهیش را پر کرده است. تصورش برایم غیر ممکن است. کاره آندره نیلسن، کمونیستی که خونسردی و جدیتش در برخوردها زبازند است، رفیقی که سخنرانیهایش بدلیل بیانات محکم و نگاه نافذش همه را جذب می‌کند، دبیر اول حزب کمونیست شروزی، جلوی رویم نشسته و چشمانش پر از اشک است.

جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند

در مراسم هفتادمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست یونان کشتار زندانیان سیاسی محکوم شد

"عفو بین المللی":

قله کوههای یخ

سازمان "عفو بین المللی" در بیانیه ای، که روز دوشنبه ۱۲ دسامبر، در لندن منتشر ساخت، اعلام کرد که رژیم ایران به گسترده ترین کشتارهای مخفیانه از سال ۸۰ تا کنون دست زده است. "عفو بین المللی" لیستی از نزدیک به ۲۰۰ قربانی این کشتار، از جمله اعضای حزب توده* ایران را انتشار داد و خاطر نشان ساخت که "شاهد این قتل عام اکنون غیر قابل تردید است، چه منابع مختلف، مانند بازماندگان اعدام شدگان و برخی اظهارات اخیر مقامات (ایران)" این واقعیت را بثبوت می رسانند.

"عفو بین المللی" نامه ای را، که تا کنون فاش شده است "تنها قله کوههای یخ" می خواند و می افزاید که شمار قربانیان کشتار اخیر به احتمال قوی به چندین هزار می رسد.

به گزارش "عفو بین المللی"، اغلب زندانیان بدون هیچگونه محاکمه اعدام شده اند.

یونان، شادباش می گوئیم. شما با تاریخ درخشان مبارزه* پایدار و جاننازانه* خود علیه امپریالیسم، فاشیسم و دیکتاتوری جای شایسته* خود را در قلوب توده های مردم یونان پیدا کرده اید. ما حزب شما را حزبی بس وفادار به اصول مارکسیسم-لنینیسم، به همبستگی ضد امپریالیستی و انترناسیونالیسم پرولتاری می شناسیم.

حزب توده* ایران به مناسبات سنتی نزدیک و رفیقانه میان دو حزب، بر پایه* همبستگی متقابل در پیکار برای جهانی بهتر، فخر می ورزد. شما این همبستگی را، بارها و بارها، در پشتیبانی بی دریغتان با رزم دشوار حزب توده* ایران با

در روزهای ۴-۲ دسامبر جشن هفتادمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست یونان در آتن و دیگر شهرهای این کشور برگزار شد. در این جشن بیش از ۲۵ حزب برادر، از جمله پنج حزب منطقه (احزاب کمونیست عراق، ترکیه، اسرائیل و فلسطین و حزب توده* ایران) شرکت داشتند. نماینده* حزب ما یکی از اعضای هیئت سیاسی بود.

مراسم یاد شده با نثار دسته های گل در میدان تیر "کساریانی" آغاز شد (در این میدان تیر بود، که فاشیستها بیش از ۲۰۰ کمونیست یونان را تیرباران کردند).

نماینده* حزب توده* ایران روزهای اقامت خود را در یونان بویژه به جلب نظر افکار عمومی یونان و جهان به فاجعه* ملی کشتار زندانیان توده ای و دیگر مبارزان در بند خمینی اختصاص داد.

ساعت ۱۹ روز ۲ دسامبر جشن هفتادمین سالگی حزب کمونیست یونان با سخنرانی رفیق فلور اکیس گشایش یافت. در این مراسم، فزون بر رفقای یونانی و میهمانان خارجی، بسیاری از شخصیت های برجسته* یونان نیز شرکت داشتند.

روز شنبه ۲ دسامبر، دیداری رسمی میان نماینده* حزب توده* ایران و رفیق کوزلوف، عضو هیئت سیاسی و سرپرست شعبه* بین المللی کمیته* مرکزی حزب کمونیست یونان صورت گرفت. در این دیدار، که مسئول خاورمیانه* حزب کمونیست یونان نیز در آن شرکت داشت، پیرامون مهم ترین مسائل بین المللی و مناسبات نزدیک میان دو حزب گفتگو شد و عضو هیئت سیاسی کمیته* مرکزی حزب توده* ایران پیام شادباش حزب را تقدیم حزب کمونیست یونان کرد. رفیق کوزلوف مراتب خشم و اعتراض حزب کمونیست یونان را نسبت به کشتار فجیع زندانیان توده ای ایران داشت و بر همبستگی عمیق کمونیستهای یونان با حزب توده* ایران تاکید ورزید.

در همان روز دو مصاحبه با "ریزوس پاس تیسی"، ارگان مرکزی حزب کمونیست یونان و رادیوی این حزب در آتن صورت گرفت.

شب شنبه ۲ دسامبر عضو هیئت سیاسی حزب توده* ایران، با توافق نماینده* حزب کمونیست یونان، آتن را بقصد لامیارتک کرد. نمایندگان دو حزب برادر، پس از دیدار و گفتگویی رفیقانه با کمیته* ایالتی لامیا، در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت جستند. در این کنفرانس نمایندگان همه* رسانه های گروهی لامیا، از جمله چهار رادیوی محلی، حضور داشتند. کنفرانس مطبوعاتی نامبرده از رادیوی حزب کمونیست یونان بطور زنده پخش شد و در روزهای بعد در روزنامه ها و ایستگاه های رادیویی شهر انعکاس یافت.

روز یکشنبه ۴ دسامبر، مراسم جشن در سالن سینما "آپولو"ی لامیا و با شرکت شخصیت های برجسته* شهر، از جمله شهردار ("پاسوک") برگزار شد. نماینده* حزب توده* ایران در این مراسم سخنرانی کرد. وی از جمله، گفت:

"ما هفتادمین زادروز حزب کمونیست یونان را به شما پیگیرترین پاسداران منافع زحمتکشان



اطلاعیه دیروخانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اخیرا نامه ای بنام یکی از اعضای هیئت سیاسی خطاب به "رفقای داخل" انتشار یافته است. این رفیق محتوای نامه* پیشگفته را شدیداً تکذیب می کند و آن را جعلی می داند. هیئت سیاسی کمیته* مرکزی حزب توده* ایران از همه* اعضا* و هواداران حزب می خواهد، که در شرایط حساس کنونی نسبت به تلاش دشمنان و مخالفان حزب، که با جعل چنین اسناد و نامه هایی قصد تخریب و ایجاد تفرقه در صفوف حزب را دارند، با هشتمیاری برخورد کنند.

آذرماه ۱۳۶۷

امپریالیسم، ارتجاع و دیکتاتوری به ثبوت رسانیده اید."

نماینده* حزب توده* ایران سپس افزود:

"ما، در عین آنکه خویشتن را در شادمانی تان بمناسبت هفتادمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست یونان شریک می دانیم، نمی توانیم اندوه عمیق خویش را از آخرین اخبار دهشتناکی، که پیرامون کشتار فاجعه آمیز زندانیان توده ای بدست ما رسیده است، بویژه از شما، پوشیده نگه داریم."

وی سپس به تفصیل درباره* فاجعه* ملی کشتار زندانیان توده ای و دیگر مبارزان در بند خمینی سخن گفت و اظهار داشت:

"حزب توده* ایران همه* شخصیتها، نهادهای اجتماعی و احزاب سیاسی یونان و سراسر جهان را فرا می خواند تا:

- * اعدام صدها زندانی سیاسی، از جمله اعضای حزب توده* ایران را محکوم کنند؛
- * آزادی بیدرتک و بلاشرط همه* زندانیان سیاسی را خواستار شوند؛
- * بانگ اعتراض خود را هر چه رساتر علیه

خوشنت آمیزترین موارد نقض حقوق بشر در ایران بلند سازند."

سخنران آنگاه قالیچه ای را مزین به تصویر لنین از جانب کمیته* مرکزی حزب توده* ایران به کمیته* مرکزی حزب کمونیست یونان هدیه کرد.

نماینده* حزب توده* ایران در روزهای اقامت خود در یونان با شخصیت ها و احزاب گوناگون به گفتگو نشست. وی، از جمله، دیدارهایی با "پاسوک" (حزب حاکم) و "حزب چپ یونان" داشت. این احزاب جنابیات رژیم "تهران" را محکوم کردند و همبستگی خود را با مبارزه* حزب در راه آزادی همه* زندانیان سیاسی ایران داشتند. فزون بر این، بدین ترتیب حزب توده* ایران مناسبات رسمی خود را با احزاب نامبرده آغاز کرد.

مصاحبه* مطبوعاتی با روزنامه* پرتیراژ "اتنوس" و گفتگو با نمایندگان حزب کمونیست یونان در "پارلمان اروپا" از دیگر فعالیت های نماینده* حزب توده* ایران در مراسم هفتادمین سالگرد پایه گذاری حزب برادر در یونان بود.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

ث. ژ. ت. محکوم می‌کند

"کنفدراسیون سراسری کار" (ث. ژ. ت.) که بزرگترین و پیرنغودترین اتحادیه* کارگران و زحمتکش این کشور است، با ارسال نامه‌ای به وزیر امور خارجه* فرانسه، خواستار اقدام فوری دیپلماتیک برای قطع بیدرتک کشتار انسان‌ها در ایران شده است.

در این نامه با اشاره به منابع گوناگون خبری خارجی و اپوزیسیون رژیم که خبر از اعدام دهها و حتی هزاران تن از زندانیان سیاسی دگراندیش و از آن جمله اعضای حزب توده* ایران می‌دهد، ضمن ابراز انزجار و تنفر شدید زحمتکش فرانسه نسبت به کشتارهای اخیر و نیز "پافشاری رژیم خونخوار حاکم در اعمال شکنجه و بی‌رحمانه‌ترین و سبعانه‌ترین رفتارها نسبت به دگراندیشان"، می‌افزاید: "جنش سندیکیایی یکی از آماج‌های اصلی این سرکوب‌هاست... و در بین قربانیان نام رهبران سندیکیایی و از آن میان، دکتر حسین جودت که شهرت جهانی دارد، بی‌شم می‌خورد.

"ث. ژ. ت." در این نامه نسبت به روند کشتارهای جمعی همه* مخالفین دیکتاتوری و سرکوشت دهها هزار زندانی دیگر در سیاهچالهای "رژیم خونخوار" خمینی شدیداً ابراز نگرانی کرده و این جنایات را که بویژه با چهل‌مین سالگرد صدور اعلامیه* جهانی حقوق بشر هم‌زمان شده اند، غیر قابل تحمل توصیف می‌کند.

رئیس لومه، دبیر "ث. ژ. ت."، در پایان این نامه به نمایندگی از جانب همه* اعضا* و هواداران سندیکیا، از وزیر امور خارجه* فرانسه می‌خواهد تا با استفاده از همه* امکانات برای آوردن فشار بر دولت ایران، جستجوی راه‌های بین‌المللی بمنظور قطع کشتار میهن‌پرستان کشورمان و نیز استقرار آزادیهای دموکراتیک در ایران، تلاش ورزد.



اعتراض در بن



روزنامه* "اونزره تسایت" ارگان حزب کمونیست آلمان، در صفحه* اول شماره* سوم دسامبر ۸۸ خود ضمن چاپ یک عکس از تظاهرات پانصد نفری "دمکراتهای ایرانی" در برابر سفارت جمهوری اسلامی در بن و چاپ قطعنامه* این گردهم‌آبی، موج فراگیر اعتراض همگانی در کشورهای مختلف علیه کشتارهای جمعی در زندانهای جمهوری اسلامی را منعکس کرده است.

در صفحه* چهارم همین شماره، عکسهای منتشر شده در شماره* ۲۲۱ "نامه* مردم" مجدداً به چاپ رسیده و ضمن تأکید بر وجود گورهای جمعی در ایران برای زندانیان سیاسی اعدام شده، نام بسیاری از قربانیان جنایات وحشتناک رژیم را که در "نامه* مردم" آمده برای خوانندگان خود ذکر کرده است.

واکنش روزنامه‌های پاکستان

به‌کشتار زندانیان سیاسی ایرانی

همه* روزنامه‌های پاکستان این روزها اخبار مربوط به قتل‌عام زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی را منعکس ساختند و روزنامه‌های مترقی این کشور عکس‌های منتشر شده در "نامه* مردم" در مورد وجود گورهای جمعی در "گلستان خاوران" را نیز به چاپ رسانده‌اند.

اعتراض به دولت فرانسه

در روز ۱۴ دسامبر، آندره لاژوانی، نماینده* کمونیست پارلمان فرانسه، در پارلمان مطرح کرد که در شرایط ترور و خفقانی که بر ایران حاکم است، چطور دولت فرانسه با این کشور رابطه برقرار می‌کند؟

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است!

نامه اعتراض حزب کمونیست نروژ به سفارت جمهوری اسلامی در اسلو

به تراژدی پایان دهید!

ما توسط هواداران حزب توده ایران در جریان اعدام‌های اخیر زندانیان سیاسی در زندان‌های ایران قرار گرفتیم.

پس از ذکر نام‌های ۱۴ تن از رفقای اعدام شده رفقای حزب کمونیست نروژ می‌نویسند:

بازگویی نام‌ها پس از مرگ هزاران انسان مربوط به آمار می‌شود، اما برای هر یک از اعدام شدگان، آن را می‌توان فاجعه‌ای غیر قابل تصور بشمار آورد.

ما اعضای حزب کمونیست نروژ علیه جمهوری اسلامی ایران که تدارک اعدام غیر قابل تصور هزاران انسان را دیده است و آن را اجرا می‌کند، صدای اعتراض خود را به شدیدترین وجه بلند می‌کنیم.

همه سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی چنین سیاستی را محکوم می‌کنند. نام رژیم ایران، بمثابه نمایندگی چنین سیاست جنایتکارانه‌ای به عنوان یکی از خونریزترین رژیم‌های جهان در تاریخ ثبت خواهد شد.

به موج ترور پایان دهید!

به اعدام زندانیان سیاسی پایان دهید!

حزب کمونیست نروژ

لیدر حزب: کابیه آندره نیلسن



NAMEH MARDOM NO:238 20 December 1988

Addresses: 1. P.B.49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

نشانی‌های ۱- پستی ۲-

نامه مردم